

کتاب دانیال — شمارهٔ چهل و هفت

افشای تعالیم فریبنده: تحلیلی انتقادی از دانیال ۸ و چالش‌های فراروی الهیات ادونتستی

Jeff Pippenger

2024-01-11

هنگامی که شاخ کوچک روم در آیات نه تا دوازده باب هشتم دانیال به تصویر کشیده می‌شود، نمادی فاسد است، زیرا نمادِ تراجنس‌پوشی است؛ جامه‌پوشی که میان مذکر و مؤنث در نوسان است. این امر با فهم میلری از این‌که روم در دو مرحله بازنمایی شده بود، هماهنگ است: مرحلهٔ نخست، کشورداری رومی، و مرحلهٔ دوم، کلیساداری رومی؛ اما در این نوسان جنسیت‌ها در آیات، شاخ کوچک از توالی تاریخی و نبوی بیرون است (فاسد شده است). با این همه، هر یک از آن چهار آیه، تاریخی را بازنمایی می‌کند که مستقیماً با کشورداری رومی یا کلیساداری رومی مرتبط است. روم بت‌پرست همه کسانی را که در برابر اقتدار امپراتوری آن مقاومت می‌کردند، آزار می‌داد؛ اما آزار روم پاپی (مؤنث) در آیه ده، به‌طور خاص متوجه آسمان است.

در فهم میلری که روم چهارمین و آخرین پادشاهی بود، نوسان از دولت به کلیسا و سپس دوباره از دولت به کلیسا، مایه نگرانی نمی‌بود. آنان آمیزش آهن و گل را در پاهای باب دوم دانیال دیده بودند و آن را صرفاً دو مرحله از روم می‌دانستند، بی‌آنکه دغدغه‌ای برای تعیین توالی تاریخی مشخصی از پادشاهی چهارم و پنجم داشته باشند. درک آنان از باب هفتم نیز همین‌گونه بود، جایی که آن شاخی که به ضدِ حضرتِ اعلی سخنان عظیم می‌گفت، سه شاخ را از میان ده شاخ اصلی وحش روم برکنده بود. حتی اگر میلر نوسان جنسیتِ آیات نه تا دوازده را نیز تشخیص داده بود، این امر برای فهم او از اینکه پادشاهی چهارم روم است، اهمیتی نداشت. در فهم میلری، پادشاهی چهارم در سال 1798 پایان یافت، و رویدادِ نبوی بعدی، بازگشتِ ثانوی مسیح بود.

شاخ مؤنث، آن زنی را مشخص می‌سازد که با شاخ مذکر مرتکب زنا ی روحانی می‌شود، و در آیات ده و دوازده به تصویر کشیده شده است.

اور وہ بڑھتے بڑھتے آسمان کے لشکر تک جا پہنچا؛ اور اس نے اس لشکر اور ستاروں میں سے بعض کو زمین پر گرا دیا، اور انہیں پامال کیا۔ دانی ایل 8:10

آزار و اذیت قدرت پاپی متوجه مسیحیت (لشکر آسمان) بود، و در آیه دوازده، روم پاپی (مؤنث)، این قدرت را می‌یابد که از طریق تعدی زنا کردن با پادشاهان اروپا، کار خون‌ریزانه خود را به انجام رساند.

و به سببِ معصیت، لشکری بر ضدِ قربانی دائمی به او سپرده شد؛ و حقیقت را بر زمین افکند؛ و عمل کرد و کامیاب گردید. دانیال ۸:۱۲

اس آیت میں "لشکر" سے مراد وہ فوجی طاقت ہے جو پاپائیت کو "روزانہ" کے خلاف دی گئی۔ لفظ "خلاف" کے معنی "سے" ہیں۔ یورپ کے بت پرست بادشاہوں (بت پرست روم)، جن کی نمائندگی "روزانہ" سے ہوتی ہے، کی طرف سے فوجی حمایت (ایک لشکر) پاپائیت کو "سرکشی کے سبب" دی گئی۔ کلیسیا اور ریاست کا اتحاد، جس میں کلیسیا اس تعلق پر قابض ہو، وہی "سرکشی" ہے۔ اس سرکشی کی بے مسیحیوں کا خون ہے۔ جب ایک بار پاپائیت کو بت پرست روم کی افواج پر اختیار حاصل ہو گیا، تو پاپائی روم ("وہ") نے "سچائی کو زمین پر گرا دیا؛ اور وہ عمل کرتی رہی، اور کامیاب ہوتی رہی۔"

در دانیال فصل یازدهم، آیہ سی و یک، سپردہ شدن لشکرها به روم پاپی نیز به تصویر کشیدہ شدہ است:

کرےگی اشدھ، ہئ سٹھان کا سامرٹھ جو، کو پوٹیرسٹھان اس وے اور، ہوگی خڈی سناہ سے اور اسکی اور داناییل کرےگی۔ سٹھاپتی کو وستی غٹھتی والی کرنے اڈاڈ اس وے اور، دےگی ہٹا کو بلدین نٹھ وے اور 11:31.

این آیہ در حال شناسایی گذار تاریخی از روم بت پرست به روم پاپی است. در این آیہ، «بازوان» همان پادشاهان اروپایی هستند که از زمان کلوویس، پادشاه فرانکها (فرانسه)، در سال 496، به حمایت از پاپیت برخاستند. «بازوان» همچنین «مقدس حصین» (شهر روم) را از طریق جنگهای پیوسته از قرن چهارم به بعد تا سال 538 آلوده ساختند. «بازوان» همچنین مقاومت بت پرستانه را در برابر عروج پاپیت برطرف کردند، و تا سال 508، مقاومت بت پرستانه به پایان رسیده بود.

واژه‌ای که به «away» away ترجمه شده است، واژه عبری «sur» است و به معنای «برداشتن» می‌باشد. «بازوان»، «مکروه ویرانگر» (پاپیت) را در سال ۵۳۸ بر تخت زمین نشاندند. هنگامی که دانیال باب هشت، آیہ دوازده، تصریح می‌کند که «لشکر» به شاخ کوچک مؤنث داده شد، با شهادت آیہ سی و یک باب یازدهم موافقت دارد. کتاب مکاشفه نیز در باب سیزدهم بر همان حقیقت شهادت می‌دهد.

و آن وحشی را که دیدم، مانند پلنگ بود، و پاهایش همچون پاهای خرس، و دهانش مانند دهان شیر؛ و ازدها قدرت خود، و تخت خویش، و اقتداری عظیم به او بخشید. مکاشفه ۱۳:۲

خواهر وایت به صراحت حیوان مذکور در آیہ دو را پاپیت معرفی می‌کند، و نیز بیان می‌دارد که ازدهای مذکور در آن آیہ، روم بت پرست است. روم بت پرست سه چیز به پاپیت داد: «قدرت خود، و تخت خود، و اقتدار عظیم»

فوجی طاقت بت پرست روم کی طرف سے 496ء میں کلووس کے زمانہ سے دی گئی۔ حکومت کرنے کے لیے "تخت" 330ء میں پاپائیت کو دیا گیا، جب شہنشاہ قسطنطین نے اپنا دارالحکومت قسطنطنیہ منتقل کر دیا، اور اپنے سابق دارالحکومت شہر روم کو پاپائی کلیسیا کے اختیار میں چھوڑ دیا۔ 533ء میں شہنشاہ جسٹین نے حکم صادر کیا کہ پوپ کلیسیا کا سربراہ اور بدعتیوں کا مصلح ہے، اور اپنی "عظیم قدرت" روم کے پوپ کے حوالے کر دی۔ دانی ایل باب آٹھ کی بارہویں آیت اُس وقت کی نشان دہی کرتی ہے جب ایک "لشکر" دیا گیا، اور اس نبوی سچائی کی گواہی بہت سے گواہوں سے ثابت ہے۔ اُس وقت سے (496ء سے آغاز کرتے ہوئے)، پاپائیت "کامیاب" ہوئی۔

آن تا پایان خشم علیہ پادشاہی شمالی اسرائیل، کہ در سال ۱۷۹۸ به پایان رسید و پاپیت زخم مہلک خود را دریافت کرد، همچنان به «عمل کردن» و «کامیاب شدن» ادامه می‌داد.

اور بادشاہ اپنی مرضی کے مطابق عمل کرے گا؛ اور وہ اپنے آپ کو سربلند کرے گا، اور ہر معبود سے بڑھ کر اپنی بڑائی کرے گا، اور معبودوں کے خدا کے خلاف عجیب باتیں کہے گا، اور اس وقت تک کامیاب رہے گا جب تک غضب پورا نہ ہو جائے؛ کیونکہ جو کچھ مقرر کیا گیا ہے وہی انجام پائے گا۔ دانی ایل 11:36.

آیہ نہم از باب هشتم، روم مذکر (روم بت پرست) را توصیف می‌کند و فرایند سه مرحله‌ای فتوحات را که روم بت پرست به انجام رساند، باز می‌نمایاند؛ فرایندی که نمونه پیشاپیش آن سه ناحیہ جغرافیایی بود که می‌بایست فتح شوند تا روم پاپی بر تخت زمین استوار گردد، چنان که به وسیلہ آن سه شاخی که در باب ہفتم از جا کنده شدند، نمایش داده شده است. آن دو فتح سه مرحله‌ای روم بت پرست و

روم پاپی، بازنمایانده سه مانع جغرافیایی روم جدید در آیات چهل تا چهل و سه از دانیال یازده بودند. سپس در باب هشتم، آیه یازدهم، شاخ کوچک مذکر (روم بت پرست) بار دیگر بازنموده می شود. در آن آیه، منطق تقدیس شده چنان استوار است که مردان استهزاکننده ای که بر اورشلیم حکومت می کنند، ناگزیر شدند برای برپا ساختن بنیان جعلی خود، چندین دروغ الهیاتی را وارد سازند.

بلی، او خویشتن را حتی تا رئیس لشکر بزرگ ساخت، و قربانی دائمی به واسطه او برداشته شد، و جایگاه مقدس او سرنگون گردید. دانیال ۱۱:۸

چون پرداختن به سکه ها و جواهرات تقلبی ای را که از سال 1863 به ادونتیسیم وارد شده اند آغاز می کنیم، باید توجه داشت که دو عرصه اصلی به اصطلاح تخصص الهیاتی وجود دارد که ادونتیسیم به آنها می بالد، و آنها را مبنای خود برای پشتیبانی از تعالیم پروتستانیسم مرتد و کاتولیسیسم قرار می دهد. ادعایی که الهی دانان معاصر ادونتیسیم مطرح می کنند این است که یا در تاریخ کتاب مقدسی متخصص اند، یا در زبان های کتاب مقدسی. نحوه به کارگیری آنان از این آیه آشکار می سازد که کلام نبوی برای ایشان همچون کتابی مختوم شده است، و نیز آشکار می سازد که ادعای آنان مبنی بر متخصص بودن در زبان های کتاب مقدسی، صرفاً تجلی معاصر فریسی مسلکی است.

نخست، نادیده گرفتن نوسان جنسیت ها برای شاخ کوچک در آیات نه تا دوازده است. اگر ایشان حقیقتاً در زبان عبری صاحب نظر بودند، این واقعیت را انکار نمی کردند یا از قوت آن نمی کاستند که دانیال عمداً در این آیات از نوسان جنسیت بهره برده است. شاخ کوچک در هر دو جنس نمایانده شده است، و این جنسیت ها در خلال آیات پیوسته میان یکدیگر در نوسان اند. الهی دانان می کوشند این واقعیت را با یاهوگویی و سکه های تقلبی بپوشانند، زیرا این امر به روشنی نشان می دهد که آیه یازده به روم بت پرست اشاره دارد، نه به روم پاپی. آنان البته اصرار می ورزند که شاخ کوچک آیه یازده پاپ است، حال آنکه در واقع روم بت پرست است.

پس از آن که پذیرفته شود که از میان چهار آیه مربوط به شاخ کوچک، دو آیه مذکر و دو آیه مؤنث اند، آنگاه گنجاندن این حقیقت کتاب مقدسی آسان می شود که زن در نبوت کتاب مقدسی نمایانگر یک کلیساست و مرد نمایانگر یک دولت. دانستن این امر برای همگان که مایل به دیدن آشکار می سازد که شاخ کوچک آیه یازدهم، رومی مذکر است (روم بت پرست)، نه رومی مؤنث (روم پاپی).

پس این آیه چنین فهمیده می شود که روم بت پرست (او) خود را تا برابر رئیس لشکر بزرگ ساخت، چنان که روم بت پرست آنگاه که رئیس لشکر را بر صلیب جلجتا نهاد، چنین کرد. روم بت پرست نه تنها بر ضد مسیح بر صلیب خویشتن را بزرگ ساخت، بلکه آیه ادامه می دهد که به وسیله او (روم بت پرست) «قربانی دائمی برداشته شد».

در کتاب دانیال دو واژه عبری وجود دارد که هر دو به «برداشتن» ترجمه شده اند. این واژه ها «sur» و «rum» هستند. هر دو واژه در خدمت قدس به کار رفته اند. «sur» به معنای برداشتن یا برطرف کردن است، و هنگامی که خاکسترها از مذبح در قدس برداشته می شدند، واژه ای که برای توصیف برداشتن خاکسترها به کار می رفت «sur» بود. واژه «rum» به معنای بالا بردن و exalt کردن است، و هنگامی که کاهن در قدس می بایست قربانی افراشتنی را بالا برد، می بایست قربانی را «rum» (بالا بردن) می کرد. در آیه یازدهم، روم بت پرست («قربانی دائمی») بت پرستی را با بالا بردن و exalt کردن دین بت پرستی «rum» (برداشتن) می کرد.

روم بت پرست، دین بت پرستی را برافراشته و تمجید می کرد. الهی دانان ادونتیسیم که مدعی تخصص در زبان های کتاب مقدسی هستند، برمی گزینند که هر مورد از عبارت «away» away را در کتاب دانیال به معنای «remove» تلقی کنند. آنان از به رسمیت شناختن نگارش متمایز و دقیق دانیال قصور

می‌ورزند، و بدین‌سان خود را برتر از نبی دانیال قرار می‌دهند.

الهی‌دانانی که مدعی‌اند زبان‌های کتاب مقدس را درک می‌کنند، استدلال‌هایی عرضه می‌دارند تا توجیه کنند چرا دانیال، هنگامی که از دو واژه متفاوت استفاده کرد، قصد داشت همان یک چیز را برساند. آنان برای پشتیبانی از ادعاهای باطل خود، پژوهش‌های واژگانی طولانی و ملال‌آور ارائه می‌کنند. الاهی‌دانانی که مدعی‌اند تاریخ کتاب مقدس را می‌فهمند، استدلال می‌کنند که این کاربرد نادرست بر این تشخیص مبتنی است که در دوره‌های مختلف تاریخ، یک واژه واحد ممکن است معنایی متفاوت داشته باشد؛ و از این‌رو، هنگامی که دانیال از دو واژه متفاوت استفاده کرد، تنها یک متخصص تاریخ می‌تواند تشخیص دهد که دانیال در واقع چه منظوری داشته است. شناسایی این دو روش باطل اهمیت دارد، زیرا الاهی‌دانانی که می‌کوشند از روش‌شناسی «حکم بر حکم» پنهان شوند، غالباً از آن‌ها بهره می‌گیرند.

آری، او خویشتن را حتی تا به رئیس لشکر بزرگ ساخت، و قربانی دائمی به واسطه او برداشته شد، و مکان مقدس او فرو افکنده گردید. دانیال ۸:۱۱.

لفظی که در این آیه به «برداشته شد» ترجمه شده است، به معنای «بلند کردن و تعظیم نمودن» است. این واژه به معنای حذف کردن نیست. این حقیقت برای الاهی‌دانان ادونتیست موجب سردرگمی و تناقض می‌شود، زیرا مفروضات ایشان، هنگامی که تعریف واقعی واژه‌ای که دانیال به کار برده است بر آیه اعمال گردد، در برابر یک ارزیابی ساده از آیه تاب نمی‌آورد. آنان استدلال می‌کنند که شاخ کوچک مذکور در آیه، روم پاپی است؛ و از این‌رو آیه چنین خوانده می‌شود که «به وسیله او» (روم پاپی) «قربانی دائمی برداشته شد».

آنان البته هیچ مشکلی در گنجاندن آن واژه افزوده ندارند؛ واژه‌ای که خواهر وایت صراحتاً بیان می‌کند به وسیله حکمت انسانی افزوده شده است و بر متن انطباق ندارد.

«سپس دیدم، در ارتباط با «دائمی» (دانیال ۸:۱۲)، که واژه «قربانی» به وسیله حکمت انسان افزوده شده است و به متن تعلق ندارد، و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا فرمود که ندای ساعت دآوری را اعلام کردند.» Early Writings, 74.

آنان «دائمی» را خدمت مسیح در قدس او می‌شناسند؛ از این‌رو، «قربانی دائمی» این مفهوم را تأیید می‌کند که «دائمی» همان کار قربانی مسیح در قدس آسمانی است. اما الهام تصریح می‌کند که واژه «قربانی» «به متن تعلق ندارد».

جب افرائیم کے بے خوار لوگ "روزانہ" کو مسیح کی مقدس میں خدمت کے طور پر پہچانتے ہیں، تو پھر آیت یوں پڑھے گی: "اور اُس کے وسیلہ سے" (پاپائی روم) "روزانہ موقوف کر دیا گیا،" یا یوں پڑھے گی: "پاپائی اقتدار کے ذریعہ، مسیح کی مقدس کی خدمت چھین لی گئی۔" وہ درحقیقت اسی جھوٹ کی تعلیم دیتے ہیں۔ وہ اصرار کرتے ہیں کہ پاپائی حکومت کی تاریکی کے ذریعے مسیح کی مقدس کی خدمت کی حقیقی سمجھ لوگوں کے ذہنوں سے دور کر دی گئی۔

بالین‌حال، واژه‌ای که به «برداشتن» ترجمه شده است، به معنای حذف کردن نیست؛ بلکه به معنای برافراشتن و متعالی ساختن است. اگر متخصصان مدعی زبان‌های کتاب مقدس، معنای واژه عبری «rum» را به درستی بر این عبارت اعمال می‌کردند، ترجمه آنان می‌بایست چنین می‌بود: «به واسطه قدرت پاپی، خدمت قدسگاهی مسیح برافراشته و متعالی گردید.» پاپیت چه زمانی هرگز مسیح را برافراشت و متعالی ساخت؟

آنان می‌کوشند تعریف واژه عبری «sur» را بر واژه عبری «rum» تحمیل کنند۔ دانیال در دو آیه دیگر، واژه «sur» را کہ به معنای برداشتن یا زائل کردن است، در ارتباط با «قربانی دائمی» بہ کار می‌برد؛ اما در آیه یازدهم، دانیال واژه «rum» را برگزید کہ به معنای برافراشتن و تمجید کردن است۔ نہ تنها مجموعہٴ افسانہ‌پردازی‌ها دربارهٴ این آیه، بہ سبب تحریف معنای واژه‌ای کہ «away» ترجمہ شدہ، حماقت است، بلکہ ہرگز زمانی وجود نداشته است کہ خدمت مسیح در قدس بہ ہیچ وجہ از انسان‌ها سلب شدہ باشد۔

لیکن یہ شخص، چونکہ ہمیشہ قائم رہتا ہے، ایک اٹل کھانت رکھتا ہے۔ پس وہ انہیں بھی جو اُس کے وسیلہ سے خدا کے پاس آتے ہیں، کامل طور پر نجات دینے پر قادر ہے، کیونکہ وہ ہمیشہ زندہ ہے تاکہ اُن کی شفاعت کرے۔ عبرانیوں 24:7، 25۔

این ادعا کہ الہی دانان ادونتیست، در تلاشی برای سرپا نگہ داشتن تطبیق نادرست خود از این آیه، مطرح می‌کنند کہ دورہ‌ای از زمان وجود داشته است کہ در آن پاپیت نوعی قدرت اعمال می‌کرد تا شفاعت مسیح را در قدس او از میان بردارد، absurd است!

لیکن الہیات کے علما یہ تعلیم نہیں دیتے کہ یہ آیت اس امر کی نشاندہی کرتی ہے کہ پاپائیت نے مسیح کی مقدس گاہ کی خدمت کو بلند اور سرفراز کیا۔ وہ دانی ایل کے الفاظ کے مفہوم اور ایلن وائٹ کی الہامی نصیحت سے گریز کرتے ہیں، تاکہ دانی ایل کے کلمات کی گواہی کے باوجود وہی تعلیم دیں جو وہ خود دینا چاہتے ہیں۔

بلکہ خویشتن را تا بہ رئیس لشکر نیز بزرگ نمود، و قربانی دائمی بہ واسطہٴ او برداشتہ شد، و جایگاہ مقدس او سرنگون گردید۔ دانیال 8:11۔

الہیات کے علما یہ تعلیم دیتے ہیں کہ اس آیت کا مطلب یہ ہے کہ ”پاپائی اقتدار کے ذریعے مسیح کی مقدس خدمتی منادی کو موقوف کر دیا گیا،“ اور انسانوں کے اذہان سے مسیح کی مقدس خدمتی خدمت کے ہٹا دیے جانے کی تائید اس حقیقت سے ہوتی ہے کہ اس ہٹائے جانے کے ساتھ ساتھ مسیح کے ”مقدس کی جگہ ڈھا دی گئی۔“ خدا کے کلام میں ایک بھی ایسی آیت نہیں جو آسمانی مقدس کو—جہاں مسیح اپنی شفاعت انجام دیتا ہے—کبھی ڈھایا گیا قرار دے۔ نہ ہی کوئی ایسا بائبل مقام ہے جو خود آسمان کو، جو ”اس کے مقدس کی جگہ“ ہے، کبھی ڈھایا گیا بتاتا ہو۔ ایک بار پھر، الہیات کے علما اپنے آپ کو نبی دانی ایل سے بالا رکھتے ہیں، کیونکہ وہ اصرار کرتے ہیں کہ آیت میں ”اس کے مقدس کی جگہ“ سے مراد خدا کا مقدس ہے، باوجود اس کے کہ دانی ایل براہ راست اس تصور کے برعکس تعلیم دیتا ہے۔

مفروضہ ماہرین زبان عبرانی اصرار کرتے ہیں کہ اس آیت میں عبرانی لفظ ”rum“ کو عبرانی لفظ ”sur“ کے مفہوم کے ساتھ سمجھا جائے۔ وہ یہ بھی اصرار کرتے ہیں کہ عبرانی لفظ ”miqdash“ کو عبرانی لفظ ”qodash“ کے معنی میں سمجھا جائے۔ کتاب دانی ایل میں ”miqdash“ اور ”qodash“ دونوں کا ترجمہ محض ”مقدس“ کیا گیا ہے، تاہم ان کے معانی مختلف ہیں۔ ”Miqdash“ کسی بھی مقدس کو ظاہر کرتا ہے، خواہ وہ خدا کا مقدس ہو یا کسی مشرکانہ مذہب کا مقدس۔ یہ مقدس کے لیے عام لفظ ہے، لیکن ”qodash“ بائبل میں صرف خدا کے مقدس کے لیے استعمال ہوتا ہے۔

دانیال تفاوت میان قدسگاہی بت پرستانہ و قدسگاہ خدا را می‌دانست۔ اگر دانیال می‌خواست قدسگاہی بت پرستانہ را مشخص کند، از واژهٴ «miqdash» استفادہ می‌کرد۔ برای من شگفت‌آور است کہ بہ اصطلاح کارشناسان زبان عبری ہرگز بہ این واقعیت نمی‌پردازند کہ دانیال در چہار آیہٴ پیاپی، ہر دو واژہ را سہ بار بہ کار می‌برد۔ کاربرد دانیال از این دو واژہ عبری، کہ ہر دو بہ «قدسگاہ» ترجمہ شدہ‌اند، معنایی را کہ دانیال قصد داشت فہمیدہ شود، تعریف می‌کند۔

بلی، قد تعظم حتی إلى رئیس الجند، وبواسطته أبطلت المحرقة الدائمة، وطُرح مكان مقدسه. وأُعطي له جند على المحرقة الدائمة بسبب المعصية، فطرح الحق إلى الأرض، وفعل ونجح. ثم سمعت قدوساً واحداً يتكلم، فقال قدوس آخر لذلك القدوس المتكلم: إلى متى تكون الرؤيا من جهة المحرقة الدائمة، ومعصية الخراب، لبذل المقدس والجند كليهما للقدوس؟ فقال لي: إلى ألفين وثلاثمائة يوم؛ فعندئذ يتطهر المقدس. دانيال 8:11-14.

در همان عبارتی که اساس ادونتیسیم را در بر می‌گیرد، دانیال از دو واژه متفاوت عبری استفاده می‌کند که هر دو به «مقدس» ترجمه شده‌اند. در آیات سیزده و چهارده، دانیال واژه عبری «مقدس» را برگزید که در کتاب مقدس تنها برای اشاره به مقدس خدا به کار می‌رود؛ اما در آیه یازده، دانیال از واژه عبری عام یا کلی استفاده کرد که می‌تواند به مقدس خدا اشاره داشته باشد، یا می‌تواند به یک مقدس بت‌پرستانه دلالت کند.

اگر دانیال می‌خواست «مقدس» را در آیه یازده به عنوان مقدس خدا معرفی کند، همان واژه عبری را به کار می‌برد که در سه آیه بعد، دو بار از آن استفاده کرده است. کاملاً روشن است که دانیال میان یک مقدس بت‌پرستانه در آیه یازده و مقدس خدا در آیات سیزده و چهارده تمایز قائل بوده است! اما مستان افرایم استدلال می‌کنند که «جایگاه مقدس او» که در آیه یازده «سرنگون شد»، جایگاه مقدس خدا بوده است، هرچند از به کار بردن واژه «جایگاه» پرهیز می‌کنند.

آنان تعلیم می‌دهند که پاپیت خدمت شفاعت مسیح را از میان برداشت و حقیقت قدس آسمانی را به زیر افکند. اما دانیال به روشنی بیان کرده بود که «قدس» در آیه یازدهم، نه قدس خدا، بلکه قدسی بت‌پرستانه بود. دانیال همچنین به همان اندازه روشن ساخته بود که آنچه به زیر افکنده شد، خود «قدس» نبود، بلکه «جایگاه» قدس او بود.

با امتناع از اذعان به نوسان جنسیتی هدفمند آیات نهم تا دوازدهم، الهی‌دانان معاصر تعریفی را از «دائمی» پذیرفتند که منشأ آن در پروتستان‌تیسیم مرتد بود، و آغاز کردند به بنا نهادن بنیادی بر ریگ حدس انسانی، سنت و عرف. هنگامی که به آیه یازدهم می‌رسند، حتی رهنمود الهام‌شده خواهر وایت را نیز که تصدیق می‌کرد فهم میلر از «دائمی» به منزله بت‌پرستی درست بوده است رد می‌کنند، و شروع می‌کنند به به کار گرفتن هنر گمراه‌سازی و حدس و گمان تا دلبستگی خود به الهیات کاتولیکی و پروتستانی را دفاع کنند.

ایشان در آن آیه، روم مشرک را به روم پاپی بدل می‌سازند، و معنای «برداشتن» را بر واژه‌ای تحمیل می‌کنند که معنی آن «برافراشتن و exalt نمودن» است. آنان نماد شیطانی «قربانی دائمی» را نمادی الهی تعریف می‌کنند، و سپس اصرار می‌ورزند که معبدی مشرکانه، معبد خداست، در حالی که از اشاره مستقیم به «مکان» مقدس اجتناب می‌کنند. و «نادانان» (چنان‌که اشعیا آنان را معرفی می‌کند) که تنها در صورتی خواهند فهمید که «عالمان» به آنان بگویند چنین است، این خوان افسانه‌ها را می‌پذیرند تا به هلاکت خویش گرفتار آیند.

ما در مقاله بعدی به بررسی ادامه افزایش معرفتی که در رؤیای میلر به صورت جواهرات به تصویر کشیده شده است، خواهیم پرداخت.

«رسول پولس ما را هشدار می‌دهد که "بعضی از ایمان برگشته، به ارواح گمراه‌کننده و تعالیم شیاطین گوش خواهند سپرد." این همان چیزی است که باید انتظارش را داشته باشیم. بزرگ‌ترین آزمایش‌های ما از جانب آن گروه خواهد آمد که زمانی از حقیقت دفاع می‌کردند، اما از آن روی برمی‌گردانند و آن را با نفرت و استهزا زیر پای خود لگدمال می‌کنند. خدا برای خادمان وفادار خود کاری دارد تا انجام دهند. حملات دشمن باید با حقیقت کلام او پاسخ داده شود. باطل باید بی‌نقاب گردد، ماهیت واقعی آن باید آشکار شود، و نور شریعت یهوه باید در تاریکی اخلاقی جهان بتابد. ما

باید مطالبات کلام او را اعلام کنیم. اگر از این وظیفه خطیر غفلت ورزیم، بی‌گناه شمرده نخواهیم شد. اما در حالی که در دفاع از حقیقت می‌ایستیم، نباید در دفاع از خود بایستیم و چون فراخوانده شده‌ایم که ملامت و بدفهمی را تحمل کنیم، هیاهوی بسیار برپا سازیم. بر خویشتن ترحم نکنیم، بلکه نسبت به شریعت حضرت اعلی بسیار غیور باشیم.»

رسول می‌گوید: «زمانی خواهد آمد که مردم تعلیم صحیح را تحمل نخواهند کرد؛ بلکه مطابق شهوات خویش، برای خود معلمان گرد خواهند آورد، زیرا گوش‌هایشان خارش دارد؛ و گوش‌های خود را از حقیقت برخواهند گردانید و به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند شد.» از هر سو می‌بینیم که مردم به آسانی اسیر خیالات فریبنده کسانی می‌شوند که کلام خدا را باطل می‌شمارند؛ اما هنگامی که حقیقت در برابر آنان قرار داده می‌شود، از بی‌صبری و خشم آکنده می‌گردند. اما اندرز رسول به خادم خدا این است: «تو در همه چیز هشیار باش، سختی‌ها را تحمل کن، کار مبشر را انجام بده، خدمت خود را به کمال به انجام رسان.» در روزگار او نیز برخی، آرمان خداوند را ترک کردند. او می‌نویسد: «دیماس مرا ترک گفته است، زیرا این جهان حاضر را دوست داشته؛ و باز می‌گوید: «اسکندر مسگر به من شرارت بسیار رسانید: خداوند او را برحسب اعمالش جزا دهد: تو نیز از او برحذر باش، زیرا او با سخنان ما بسیار مقاومت کرده است.»

«انبیاء اور رسولوں نے مخالفت اور ملامت کی یکساں آزمائشوں کا سامنا کیا، اور حتیٰ کہ خدا کا عیب برہ بھی بر بات میں ہماری مانند آزمایا گیا۔ اُس نے گنہگاروں کی طرف سے اپنے خلاف مخالفت برداشت کی۔»

«هر هشدار مربوط به این زمان باید امینانه ابلاغ شود؛ اما "بنده خداوند نباید ستیزه‌جو باشد، بلکه با همگان ملایم، آماده تعلیم، بردبار؛ و با فروتنی کسانی را که با خود مخالفت می‌ورزند، تأدیب کند." ما باید کلام خدای خود را با دقت نگاه داریم، مبدا به واسطه عملکردهای فریبنده کسانی که ایمان را ترک گفته‌اند، آلوده شویم. ما باید در برابر روح و نفوذ آنان با همان سلاحی مقاومت کنیم که سرور ما هنگامی که از سوی رئیس تاریکی مورد هجوم قرار گرفت به کار برد، یعنی: «مکتوب است.» ما باید بیاموزیم که چگونه از کلام خدا به مهارت استفاده کنیم. اندرز این است: «جد و جهد کن تا خویشتن را مقبول خدا ظاهر سازی، کارگری که از چیزی شرمند نباشد و کلام حق را به درستی تقسیم کند.» برای مقابله با خطای پیچاپیچ معلمان دروغین و فریبندگان، باید کوشش مجدانه و دعای پرشور و ایمان وجود داشته باشد؛ زیرا «در ایام آخر، زمان‌های سخت فرا خواهد رسید. زیرا مردم خویشتن‌دوست، زرپرست، لاف‌زن، متکبر، کفرگو، نافرمان والدین، ناسپاس، ناپاک، بی‌عاطفه، پیمان‌شکن، افترازن، بی‌مهار، خشن، دشمن نیکان، خائن، بی‌پروا، خودپسند، عشرت‌دوست و نه خدادوست خواهند بود؛ صورتی از دینداری خواهند داشت، اما قوت آن را انکار خواهند کرد؛ از چنین کسان روی بگردان.» این سخنان، خصلت مردانی را ترسیم می‌کند که خادمان خدا ناگزیر خواهند بود با آنان روبه‌رو شوند. «افترازان» و «دشمنان نیکان» به کسانی حمله خواهند کرد که در این عصر فاسد، نسبت به خدای خود وفادارند. اما سفیر آسمان باید همان روحی را ظاهر سازد که در سرور تجلی یافت. او باید در فروتنی و محبت، برای نجات انسان‌ها کار کند.»

Հարունակուն Է խոսել Աստծո գործին հակառակվողների մասին՝ Նրանց 1888» համեմատելով այն մարդկանց հետ, որոնք պատերազմեցին հավատարիմների դեմ հին Իսրայելի ժամանակներում: Նա ասում է. «Եվ ինչպես Յաննեսն ու Յամբրետը հակառակ կանգնեցին Մովսեսին, այնպես էլ սրանք են դիմադրում ճշմարտությանը՝ ապականված միտք ունեցող մարդիկ, հավատքի նկատմամբ անարժան: Բայց Նրանք այլևս առաջ չեն գնա, որովհետև Նրանց անմոտությունը կհայտնվի բոլոր մարդկանց, ինչպես և այն մարդկանցը հայտնվեց»: Մենք

գիտենք, որ գալիս է այն ժամանակը, երբ Աստծո դեմ պատերազմելու անմտությունը պիտի բացահայտվի: Մենք կարող ենք մեզ թույլ տալ սպասել հանդարտ համբերությամբ և վստահությամբ, որքան էլ որ զրպարտված և արհամարհված լինենք. որովհետև «գաղտնի ոչինչ չկա, որ հայտնի չդառնա», և Նրանք, ովքեր պատվում են Աստծուն, պիտի պատվվեն Նրանից մարդկանց և հրեշտակների առաջ: Մենք պետք է մասնակից լինենք բարենորոգիչների չարչարանքներին: Գրված է. «Քեզ նախատողների նախատիկները ինձ վրա ընկան»: Քրիստոսը հասկանում է մեր վիշտը: Մեզնից ոչ մեկը կոչված չէ միայնակ կրել խաչը: Գողգոթայի Չարչարանքի Մարդը զգում է մեր վշտերի ցավը, և քանի որ ինքը փորձվելով չարչարվեց, կարող է նաև օգնել Նրանց, ովքեր Նրա համար գտնվում են վշտի և փորձության մեջ: «Այո՛, և բոլոր Նրանք, որ կամենում են աստվածապաշտ ապրել Քրիստոս Հիսուսով, հալածանք պիտի կրեն: Բայց չար մարդիկ և խաբեբաները ավելի ու ավելի կվատթարանան՝ մոլորեցնելով և մոլորվելով: Իսկ դու մնա այն բաների մեջ, որոնք սովորել ես»:

Review and Herald, January 10, 1888»